روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
www.sharghnewspaper.ir - پست الکترونیکی: Info@sharghnewspaper.ir
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران، خیابان آفریقا، بلوار گلشهر، پلاک ۴۶
تحریریه: ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵
سازمان آگهی ها: ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۶۱۰
امور مشترکین- تلفن: ۲۰-۶۶۹۷۱۱۱۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵
امور فنی، آتلیه و لیتوگرافی: روزنامه شرق- چاپ: افست

روزنامه شرق

سال سوم ■ شماره ۷۵۶ ■ چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱۰ مه ۲۰۰۶

آبادان	+۲۹+۴۰	بیرجند	+۱۸+۳۰	سنندج	+۱۲+۲۵	همدان	+۱۲+۲۶
اراک	+۱۴+۲۶	تهران	+۱۹+۳۰	شهرکرد	+۱۲+۲۵	یاسوج	+۱۸+۳۱
اردبیل	+۱۳+۱۸	تبریز	+۱۲+۲۴	شیراز	+۱۹+۳۲	یزد	+۲۰+۳۰
ارومیه	+۱۱+۲۴	خرم‌آباد	+۱۴+۲۸	قزوین	+۱۳+۱۷	دبی	+۲۶+۳۶
اصفهان	+۱۳+۳۰	رشت	+۱۵+۲۰	کرمان	+۱۹+۳۰	نجف	+۲۵+۴۰
اهواز	+۲۷+۴۳	زاهدان	+۲۲+۳۱	کرمانشاه	+۱۲+۲۴	مکه	+۲۷+۴۱
ایلام	+۲۰+۳۳	زنجان	+۱۲+۲۶	کاشان	+۱۵+۲۸	مدینه	+۲۶+۴۱
بجنورد	+۱۷+۲۸	زابل	+۲۶+۳۷	کیش	+۲۷+۳۲	لندن	+۵+۱۳
بندرعباس	+۲۴+۳۷	ساری	+۱۵+۲۴	گرگان	+۱۷+۳۰	پاریس	+۶+۱۷
بوشهر	+۲۷+۳۰	سمنان	+۱۹+۳۰	مشهد	+۱۵+۲۷	استانبول	+۱۰+۱۸

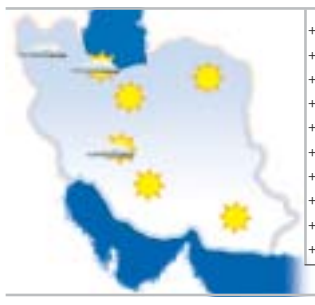

تهران: اذان ظهر ۱۲:۰۱ اذان مغرب ۱۹:۱۶ اذان صبح فردا ۳:۳۰

راهنمای امروز

تلویزیون امروز

عامل ناشناخته (تکرار)	سه	۱۳/۴۰
سریال پرستاران (تکرار)	یک	۱۵/۱۰
سریال «قلب»	پنج	۱۹/۰۰
سریال راه شب	سه	۲۰/۱۵
زندگی به شرط خنده	پنج	۲۱/۰۰
سریال لبه تاریکی	دو	۲۱/۰۰
تله‌تئاتر «زمستان ۶۶»	چهار	۲۲/۰۰
سریال روح مهربان	یک	۲۲/۱۰

سینمای امروز

آتش بس (تهمینه میلانی)

آفریقا- ایران۱- عصرجدید ۲- پارس ۱- آسیا
گلریز۱- بهمن۲- قیام- جوان۲- پیروزی
المپیا- تهران۱

هوو (علیرضا داودنژاد)

عصرجدید۱- تهران۲- جوان۱- فردوسی- سروش- جی۳- سعدی- ملت- مرکزی۳- دهکده- شیدا- ماندانا- موزه سینما- پارس ۲- جمهوری

زیر درخت هلو (ایرج طهماسب)

استقلال- عصرجدید۳- مرکزی۱
بهمن۱- آستارا- پیوند- ایران۲
جی۲- بلوار- شقایق

ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی)

قدس- ایران۳- صحرا- شهرقشنگ- فلسطین۱- مرکزی۲- جی۱- فرهنگ۱- کارون- گلریز۲- حافظ- پایتخت- میلاد

مربای شیرین (مرضیه برومند)

فرهنگ ۲- ناهید
پیام- سپیده ۲- فلسطین ۳- اروپا- شاهد
شهر تماشا۲- کانون- شیرین

تئاتر امروز

دشمن مردم (اکبر زنجانپور)

سالن اصلی تئاتر شهر ـ ۱۹/۰۰

تیغ و ماه (آتیلا پسیانی)

سالن چهارسو تئاتر شهر ـ ۲۰/۰۰

درام های زندگی (بابک محمدی)

فرهنگسرای نیاوران ـ ۱۹/۰۰

تجسمی

نمایشگاه نقاشی محسن وزیری مقدم

نگارخانه دی ـ ۸۸۷۰۰۸۴۹

نمایشگاه نقاشی منوچهر منصور دهقان

نگارخانه ممیز ـ ۸ ـ ۸۸۳۱۰۴۵۷

فرهنگ

پناهی، ناامید و همچنان در انتظار

خبرساز

آفساید این روزها در انگلیس، سوئیس، یونان و کره جنوبی روی پرده سینماها است و به زودی نیز در بیست کشور دنیا به نمایش در می‌آید. هفتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم جنجو نیز اوایل اردیبهشت با نمایش «آفساید» جعفر پناهی در کره جنوبی افتتاح شده بود. هفته گذشته پایگاه اینترنتی وب ایندیا به نقل از جعفر پناهی که برای حضور در جشنواره جنجو کره و نمایش آفساید به این کشور سفر کرده بود نوشت که پناهی همچنان به چراغ سبز مسئولان برای نمایش این فیلم امیدوار است. به گزارش آژانس هنر به نوشته این پایگاه اینترنتی پناهی که تلاش داشت آفساید را در آستانه جام جهانی اکران کند از نمایش این فیلم ناامید شده است. پناهی می‌گوید: ما هنوز مجوز نگرفته‌ایم، کسی نمی‌داند چرا؟ چرا که بسیاری معتقدند اکران همزمان این فیلم با جام جهانی رکورد فروش را می‌شکند. او ادامه می‌دهد: هفته‌ها است که تلاش می‌کنیم این فیلم را اکران کنیم اما به من گفته شده که باید منتظر باشید. پناهی چندی پیش نامه‌ای بدین شرح خطاب به تماشاگران فیلمش نوشت که بعد از حدود سه ماه از نمایش فیلم «آفساید» در جشنواره فجر این فیلم هنوز پروانه نمایش در ایران نگرفته است. همچنین پناهی که به دعوت انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران در نمایشگاه مطبوعات حاضر شده بود گفت: به نظر می‌رسد دیگر فیلم‌های آسیایی علاقه چندانی را در نزد مسئولان جشنواره کن برنمی‌انگیزد. این کارگردان سینما با اشاره به حضور کم‌رنگ سینمای آسیا در جشنواره فیلم کن گفت: به نظر می‌رسد جشنواره‌های سینمایی اروپا بار دیگر توجه خود را معطوف به سینمای آمریکا و اروپا کرده‌اند. وی افزود: در جشنواره کن امسال تنها چین از میان کشورهای آسیایی حضوری پررنگ دارد و فیلم‌های دیگر کشورهای آسیایی همانند ژاپن، کره و تایوان نتوانسته‌اند به این جشنواره راه یابند. براساس گزارش دیگری از آژانس هنر، جعفر پناهی پیش از سفر به یونان در حاشیه نمایشگاه مطبوعات به خبرنگاران گفته که همچنان به اکران این فیلم در تهران فکر می‌کند. او درباره اجازه اکران عمومی به آفساید به خبرنگاران گفته: «تا این لحظه اجازه اکران این فیلم داده نشده است. مدت‌ها است که من چهارشنبه‌ها منتظرم تا خبر اکران شدن یا نشدن آفساید را بشنوم.»

■ **تعویق اکران باغ‌های کندلوس**

اکران فیلم باغ‌های کندلوس ساخته ایرج کریمی که قرار بود از امروز آغاز شود به تعویق افتاد. از قرار معلوم تاریخ اکران آن چهارشنبه هفته آینده تعیین شده است.

پدر تئاتر موزیکال ایتالیا درگذشت

خداحافظ رم

یاد

بهاره مهرنژاد: یک خبر ناگهانی درست زمانی که مجری برنامه تله‌جورناله شبکه دو ایتالیا بینندگان را به تماشای اتفاقات اخیر پارلمان دعوت می‌کند، به صورت زیرنویس و اتفاقاً خیلی فوری از نظر می‌گذرد: پدر تئاتر موزیکال ایتالیا صبح دیروز در سن ۸۷سالگی پس از یک دوره طولانی بیماری در بیمارستان فورلانینی رم درگذشت. شاید این خبر اتفاق چندان مهمی برای مخاطب ایرانی نباشد ولی آنهایی که با بازی آنا مانیانی، آلبرتو سردی و مارچلو ماستورویانی در صحنه تئاتر سیستینا در رم آشنایی دارند، حتماً اسم پیترو گاری‌نی به گوششان خورده است. کارگردان، بازیگر و نویسنده تئاترهای کمدی موزیکال در یک فوریه ۱۹۹۱ در تریسته به دنیا آمد و کارش را همزمان با پایان جنگ جهانی دوم با نویسندگی در روزنامه ورزشی و مجله فکاهی «کانتاکیارو» آغاز کرد. سپس به همکاری با ساندرو جوانینی در حیطه نویسندگی و کارگردانی تئاتر موزیکال روی آورد. نام این دو در تئاتر ایتالیا چنان گره خورده است که نبود یکی از آنها باعث کاهش صف‌های طولانی تئاتر سیستینا می‌شود. کارگردان و بازیگر «خداحافظ رم» کارهای متفاوتی در کارنامه بازیگری خود دارد که از مهم‌ترین آنها که در خارج از ایتالیا نیز به روی صحنه برده شد می‌توان به «یکشنبه همیشه یکشنبه است»، «جولیو دوست داشتنی»، «رینالدو در زمین»، «خداحافظ رودی»، «هله‌لویا، آفرین مردم»، «یک صندلی به میز اضافه کن»، «شب بخیر بتینا» و... اشاره کرد. بنیانگذار تئاتر موزیکال ایتالیا در حالی از دنیا رفت که طرفدارانش منتظر دیدن تازه‌ترین فیلم کمدی‌اش به نام فرشتگان با تپانچه در فصل آینده بودند.

جنجال تمامی ندارد

گزارش

سعیده اسلامیه: هرچه به زمان نمایش فیلم «رمز داوینچی» در جشنواره کن نزدیک می‌شویم اعتراض‌های مسیحیان نسبت به فیلم هم گسترش می‌یابد. کاردینال «فرانسیس آرنیزه» یکی از نامزدهای مقام پاپ در سال گذشته در بیانیه اخیر خود علیه فیلم رمز داوینچی مسیحیان را به واکنش در برابر این فیلم فراخواند. این کاردینال از مسیحیان خواست علیه فیلم و کتاب که به مقدسات مسیحیان و کلیسا توهین کرده است اقامه دعوی کنند. «آرنیزه» کاردینال نیجریه‌ای و از رقبای سال گذشته پاپ بندیکت شانزدهم این بیانیه را فیلمی مستند با نام «رمز داوینچی، نیرنگی زیرکانه» ایراد کرده است. این فیلم به کارگردانی «ماریو بیاستی» فیلمساز رمی برای آژانس «رم رپورتز» آژانس فیلم کاتولیک ساخته شده است. بیانیه کاردینال «آرنیزه» تنها ۱۰ روز پس از فراخوانی کاردینالی دیگر از واتیکان به تحریم «رمز داوینچی» منتشر شده است. پدر کاتالامسا نیز معتقد است این فیلم تنها تلاشی برای به‌دست آوردن پول است و در این میان آنچه به فروش گذاشته می‌شود حضرت مسیح(ع) است. او که در مراسم جمعه مقدس صحبت می‌کرد تمامی تلاشش را به کار گرفت تا از اشاره مستقیم به کتاب و فیلم پرهیز کند اما از آن به عنوان اثری یاد کرد که دربرگیرنده ایده جدیدی است و ادعا می‌کند حضرت مسیح به صلیب کشیده نشده و جان خود را از دست نداده بلکه همراه با مریم مجدلیه گریخته و صاحب فرزندی شده است. البته این اشاره با آنچه در کتاب آمده تفاوت دارد، اما نکته جالب این است که هر دو کاردینال در اظهارات خود بر این نکته تاکید کرده‌اند که اگر این توهین به یکی دیگر از ادیان شده بود طرفداران آن هرگز ساکت نمی‌نشستند. در این میان اظهارنظر تام هنکس هنرپیشه اسکاری سینما که در فیلم «رمز داوینچی» نیز ایفای نقش کرد جالب است. او معتقد است کشیش‌ها به‌جای اینکه فیلم «رمز داوینچی» را تبدیل به یک اثر جنجالی کنند، می‌توانند از این فیلم به عنوان عاملی برای افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در مراسم مذهبی استفاده کنند. تام هنکس در این‌باره می‌گوید: به‌نظر من نمایش این اثر می‌تواند به نفع کلیساها باشد چرا که بابی را برای گفت‌وگوی بیشتر فراهم می‌کند. اگر کلیسا اعلام کند که روز چهارشنبه می‌خواهد در مورد یک مسئله دینی صحبت کند شاید تعداد اندکی از مردم در مراسم حاضر شوند اما اگر کلیسا اعلام کند می‌خواهد فیلم «رمز داوینچی» و صحت و سقم این اثر را بررسی کند بی‌تردید تعداد بیشتری از مردم شرکت خواهند کرد. در این میان دامنه اعتراض‌ها گسترده شده و تا آسیا نیز گسترش پیدا کرده است. انجمن مسیحیان کره (CCK) نیز در تلاش برای توقیف نمایش این فیلم به اعتراض برخاست اما موفقیت چندانی به‌دست نیاورد چرا که استودیو سونی پیکچرز که توزیع فیلم را برعهده دارد موافقت دولت کره را برای نمایش این اثر جلب کرده است. «رمز داوینچی» با بودجه ۱۰۰ میلیون دلاری ساخته شده و تام هنکس، آدری تاتو و ژان رنو از هنرپیشگان این اثر هستند. «دن براون» نویسنده کتاب «رمز داوینچی» چندی پیش از طرف دو نویسنده به دادگاه کشیده شده بود اما این دو نتوانستند ادعای خود را به اثبات برسانند و برای همین دن براون تبرئه شد. او بعد از دادگاه اعلام کرده بود که می‌خواهد تمام درها را به روی خودش ببندد و به دور از جنجال به کتاب آینده‌اش فکر کند اما ظاهراً جنجال نمی‌خواهد دست از سر او بردارد.

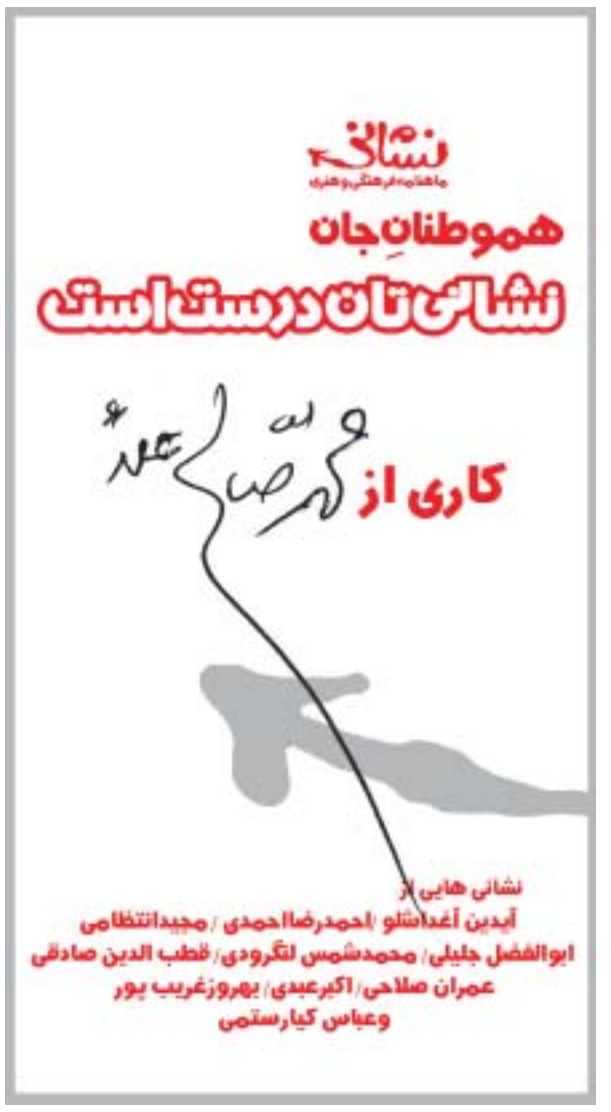

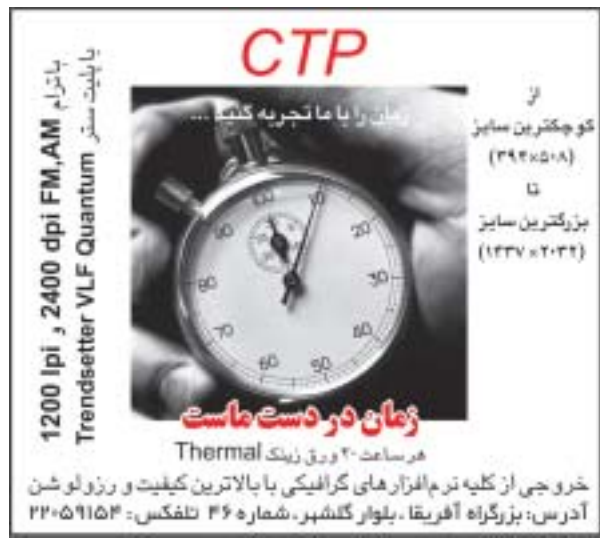

آشتی با کتاب

نگاه طراح

فیروزه مظفری

اگر یارانه نبود

نمایشگاه‌گردی

عباس عبدی

اگر سهم کتاب را در تولید ناخالص داخلی حساب کنیم، احتمالاً رقم بسیار ناچیزی خواهد بود. (ارزش افزوده بخش کتاب در کل تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت بازار کمتر از یک هزارم کل تولید است) ناچیزتر از آنکه حتی جزء یکصد کالا یا خدمات اول سبد تولیدی کشور باشد. و طبیعی است که اگر کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و امثالهم را هم مستثنا کنیم این کالا به قعر جدول کالاهای تولیدی در کشور خواهد رفت. اما کیست که ندانند به‌رغم این واقعیت ناچیز مادی تاثیرات کتاب در جامعه به گونه‌ای است که به لحاظ حساسیت و نظارت اعمال شده بر تولید کالا در صدر کالاهای تولیدی قرار می‌گیرد. این تضاد ظاهری ماهیت کتاب را به خوبی نشان می‌دهد و از همین زاویه می‌توان نتیجه گرفت که برای صاحبان قدرت مادی چندان مشکل نیست که با ابزار پول (حتی اندک) که در سیستم دولتی یارانه نامیده می‌شود، روند طبیعی تولید این کالای مهم را دچار اختلال کنند و اگر از من پرسیده شود که مهم‌ترین مشکل کتاب در جامعه ما چیست؟ خواهم گفت دخالت در تولید آن از طریق تزریق یارانه مستقیم که منجر به انحراف مسیر طبیعی در تولید این کالا شده است. یارانه مستقیم هم موجب محروم شدن خواننده می‌شود و هم موجب اضرار به نویسنده و ناشر واقعی می‌گردد و در نتیجه تاثیر گذاری کتاب را در جامعه تقلیل داده یا حتی منحرف می‌کند. اگر یارانه نباشد تیراژ و تعداد عناوین و میزان خرید کتاب را می‌توان یکی از شاخص‌های مهم در شناخت روند تحولات اجتماعی دانست، همچنان که قبل از انقلاب و طی سال‌های ۴۲ تا ۵۶ هر ناظر آگاهی می‌توانست روند تحولات جامعه را برحسب تیراژ انواع کتاب‌ها حدس بزند. اگر یارانه مستقیم نباشد، شفافیت بازار کتاب حداکثر خواهد شد. اگر یارانه نباشد، هر کس به خود اجازه نمی‌دهد که با هزینه ملت مطلبی را برای چاپ ارائه کند، زیرا ناشر و توزیع کننده و کتابفروش و خواننده تکلیف او را پیشاپیش روشن کرده‌اند. اگر یارانه نباشد، دیگر شاهد ارسال هزاران جلد کتاب از انبار برای خمیر شدن به دلیل فقدان تقاضا برای آنها نخواهیم بود. اگر یارانه نبود، شاهد ناشران رانتی نبودیم. اگر یارانه نبود، نویسنده و ناشر واقعی هر یک میان خودشان رقابتی سازنده ایجاد می‌کردند که هم به کاهش قیمت می‌انجامید و هم شاهد افزایش کیفیت و تیراژ بودیم. اگر یارانه نبود، تیغ سانسور نیز کندتر بود، چه سانسور و چه خودسانسوری. اما چه می‌توان کرد که با پول نفت همه به یارانه عادت کرده‌ایم، بلکه معتاد شده‌ایم و کمتر تولیدکننده‌ای است که چشم به این خوان یغما ندوخته باشد، خوانی که چون آب دریا هر چه بنوشیم تشنه‌تر می‌شویم و در نهایت هلاک.

استقلال مالی، استقلال فکری

نگاه روز

حسین یاغچی: هفته گذشته مدیرعامل خانه تئاتر از ابلاغ کتبی بودجه تئاتر خبر داد و در پاسخ به سئوالی مبنی بر وابسته بودن خانه تئاتر به بودجه دولتی گفت: در حال حاضر، خانه تئاتر به هیچ نهادی وابسته نیست... این بودجه از طریق مجلس که یک نهاد کاملاً مردمی است به ما تعلق گرفته و حتی مکانی که در اختیار ما است از طریق شهرداری که یک نهاد کاملاً مردمی است به ما ارائه شده است. در جلسه خانه تئاتر، بحث‌های دیگری هم مطرح شده، از جمله این که: «استفاده از بودجه دولتی، نافی استقلال خانه تئاتر نیست بلکه این کمک، وظیفه دولت است و این اصل در تمام دنیا، امری مرسوم به شمار می‌رود.» سال گذشته که بحث افزایش بودجه تئاتر از هر سو مطرح می‌شد و تمامی هنرمندان این عرصه از پیشکسوت و جوان بر لزوم این افزایش بودجه تاکید می‌کردند و اتکای تئاتر به فروش بلیت و... را برنمی‌تابیدند، به نکته‌ای هرگز اشاره نشد و آن، حدود تعامل و اتکای هنرمندان این عرصه به دولت بود. وقتی شهرداری و مجلس شورای اسلامی را در شمار نهادهایی مستقل از دولت قرار می‌دهیم و تخصیص بودجه را وظیفه دولت می‌دانیم، آن وقت باید حدود نظارت دولت را هم گسترش دهیم و به مسائلی چون ممیزی و... اعتراض نکنیم. در طول سال‌های اخیر، شاید جسورانه‌ترین تجربه‌ها در عرصه نمایش اتفاق افتاده و این تجربه‌ها گاه، بسیار فراتر از خط قرمزهای زبان رسمی دولت بوده است. باید بپذیریم که این روند، در نهایت امکان دارد به مشکل بربخورد چه، نهادی که تامین مالی پروژه‌ای نظیر یک نمایش را برعهده می‌گیرد توقع دارد ایده‌ها و ارزش‌هایش در کاری که تهیه می‌کند بروز یابد و اگر مدتی از این توقع صرف‌نظر کند، آن را در نهایت، به عنوان حقی برای خود در نظر خواهد داشت. بحث‌های فرهنگی- اقتصادی این سال‌ها در حوزه‌هایی نظیر سینما و... بسیار پررنگ بوده و تنها حوزه‌ای که چندان به استقلال مالی جامعه مدنی از دولت وقعی ننهاده، حوزه تئاتر بوده است که جا دارد هنرمندان این عرصه برای حفظ استقلال فکری خود از نهاد دولت، به این بحث‌ها نیز بیندیشند.

عکاسی که برای شام آمد

خواندنی‌ها

مهدی یزدانی خرم: برخی نویسندگان اروپایی در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی، سازنده و روایت‌گر واقعیت‌هایی بوده‌اند که عنصر تخریب‌های روحی، عاطفی، ذهنی و از همه مهم‌تر فرهنگی در آنها به شکل‌های گوناگون به تصویر کشیده شده است. رمان «آلبوم خاطرات» نوشته نویسنده آلمانی هانس هرلین یکی از این نوع آثار است که توسط دکتر عباس پژمان به فارسی برگردانده شده و نشر افق آن را منتشر کرده است. این رمان در کنار آثاری می‌ایستد که طی آنها بازمانده‌های جنگ دوم در مقابل واقعیت‌هایی به تعویق انداخته شده یا فراموش شده‌ای قرار می‌گیرند و ناچار می‌شدند دوباره گذشته تلخ و هراس‌آور خود را مرور کنند. در آلبوم خاطرات این اتفاق از دید یک آلمانی می‌افتد. کسی که کشور او جنگ را آغاز کرد و بعد از تحمل جنگ و سقوط برلین ناچار به هضم و درک تحقیری ملی هم شد. در این اثر، با عکاسی روبه‌رو هستیم که در سال‌های میان سالی‌اش قرار دارد. او که در سال‌های دور و تحت حمایت یک خانواده ثروتمند آلمانی کار هنری‌اش را آغاز کرده، شاهد به قتل رسیدن عزیزترین فرد زندگی‌اش به دست یک افسر نازی است... در آغاز رمان، این عکاس را می‌بینیم که قرار است در ازای مبلغ هنگفتی مردی را در هتلی واقع در اسپانیا به قتل برساند و همین قضیه او را دچار فلاش‌بک به سال‌های دور زندگی‌اش می‌کند. این فلاش‌بک، مخاطب را با روزها و آدم‌هایی روبه‌رو می‌کند که در سال‌های خوش صلح گم شده‌اند. در این بازگشت، تکه‌های تکان‌دهنده‌ای از فراز و فرودهای حیات این مرد تحقیر شده در بستری شاعرانه ساخته شده است. شاید مهمترین ویژگی رمان «آلبوم خاطرات» در ایجاد احساس‌های غم‌انگیز و باشکوهی باشد که از رجعت این انسان به گذشته پنهان‌اش در طول یک اتفاق ذهنی، به‌دست می‌آید. این احساس‌ها به دلیل تلاش نویسنده برای تبدیل کردن آنها به انبوهی از خرده‌روایت‌ها، تاثیرگذارتر شده و رمان آلبوم خاطرات را در شکلی کاملاً روایی قرار می‌دهد.

شبی با شعر و موسیقی مازندران در تالار وحدت

موسیقی

تالار وحدت برای اولین‌بار در تاریخ موسیقی میزبان مازنی‌ها است. مراسم شبی با شعر و موسیقی مازندران با حضور شعرا و برگزیدگان موسیقی مازندران برای اولین بار در تالار وحدت برگزار می‌شود. در این کنسرت نامداران موسیقی این استان از جمله احمد محسن‌پور، ابراهیم عالمی، ارسلان طیبی، حسین طیبی، آقاجان فیوج‌زاد، محسن فهیمی و جمشید نیکزاد قطعاتی اصیل از موسیقی مازندران را برای علاقه‌مندان به اجرا درمی‌آورند. علاوه بر این سه تن از شعرای برجسته همچون کیوس گوران، فرهود جلالی و هلاکو خان خلعت‌بری اشعاری را به زبان مازندرانی قرائت خواهند کرد. متولی این رویداد فرهنگی موسسه فرهنگی هنری پارپیار است که سال‌ها است در عرصه فرهنگ و موسیقی مازندران فعالیت می‌کند و تاکنون آثار فرهنگی متعددی را عرضه کرده است. علاقه‌مندان برای کسب اطلاع بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۸۸۰۲۰۴۸۴ تماس بگیرند یا با مراجعه به گیشه فروش بلیت تالار وحدت جهت تهیه بلیت اقدام کنند. این برنامه ساعت ۲۰ روز سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت در تالار وحدت برگزار می‌شود.

ای نامه که می‌روی به سویش...

کرگدن نامه

سیدعلی میرفتاح

روزی که در نمایشگاه مطبوعات، با خوانندگان خوب و مهربان شرق، گفت‌وگوی رودررو داشتیم، عده‌ای از آنها به آقایان قلندر انتقاد داشتند که چرا از کنار اخبار مهم مملکت با بی‌اعتنایی شاهوار عبور می‌کنند و چشم و زبان خود را به روی مسائل جنجال‌برانگیز و سیاسی می‌بندند؟ آیا این پیرمردان این قدر از جان رو به اتمام و اعتبار پایان یافته خود بیم دارند؟ گوش نگارنده پر است از این اعتراضات و معمولاً در این جور مواقع به روی خودم نمی‌آورم و بحث را عوض می‌کنم و سر شوخی را با رفقای دوروبرم باز می‌کنم و برایشان چند تا از اس‌ام‌اس‌های تازه رسیده می‌خوانم و همه را به وادی جمله‌سازی با «عدس»، «ماهیچه»، «اختاپوس»، «ستیز» و... می‌کشانم. اما قلندران را طاقت «بی‌خیالی طی کردن امور» نیست و تا یک ماجرا را به انتها نرسانند دست‌بردار نیستند. برای همین فی‌الفور خطاب به نماینده دائمی و تام‌الاختیار شرق در مجمع قلندران، یعنی آقای حسین یاغچی نامه‌ای نوشتند. برای اینکه بدانید حسین یاغچی دقیقاً چیست- و احتمالاً کیست- برای تقرب به ذهن چیزی است مثل آقای ظریف در سازمان ملل متحد. کوفی عنان و جان بولتون- با آن سبیل پهنش- و سایر قلندران ملل، کافی است با دقت به حرف‌های آقای ظریف گوش بدهند و پی‌درپی از او سئوال کنند تا بدانند «تهران» چه می‌گوید و چه می‌خواهد بکند. الان که دارم این مقایسه را می‌نویسم، متوجه می‌شوم که خیلی هم اوضاع بدین منوال نیست و خیلی هم... اصلاً به ما چه ربطی دارد که برای شناساندن آقای یاغچی، فامیل را بدنام می‌کنیم؟ همین قدر بدانید که ظریف ما یاغچی است، لاریجانی، وعیدی، آقازاده و سلطانیه را خودتان از باب قیاس پیدا کنید. بگذریم. بنده در تحریر نامه و پاسخ‌های یاغچی بی‌تقصیرم و صرفاً در حکم سفیر سوئیس- بدون اینکه حتی نامه را جلوی نور گرفته باشم تا از مفاد آن سردر بیاورم عمل کرده‌ام. اما بعد که نامه رفت و ساعتی بعد برگشت، دیدم برای تنویر افکار عمومی و برای اطلاع آن دسته از دوستان منتقد، بد نیست که عیناً آن را گراور کنم. [البته چون ممکن بود گراورنامه به دلیل خط خرچنگ قورباغه طرفین ناخوانا باشد، از حروفچین‌های محترم شرق خواهش کردم که نامه را حروفچینی کنند] حالا متن نامه: یاغچا (بنا به ضرورت وزن و از اختیارات شاعری، یاغچی، یاغچا نوشته و خوانده می‌شود) با تو دگر دوستی ما نشود/ بعد اگر شد شده است، اما حالا نشود/ بنشسته است غباری ز تو در خاطر ما/ که بدین زودی از خاطر ما پا نشود.

مدتی است که ما- امضاکنندگان ذیل- هرچه می‌نویسیم و درباره هر موضوعی دادسخن در می‌دهیم مورد تیغ حذف و اضافه شما قرار می‌گیرد و دایره اختیارات مجمع قلندران روزبه‌روز تنگ‌تر می‌شود.

البته ما واقفیم که شما بهتر از ما می‌دانید چه خبر است و اوضاع از چه قرار است، اما این حد از نگرانی شما از بابت اینکه مبادا نان‌تان بریده شود و کارتان بیخ پیدا کند، در تاریخ مطبوعات بی‌سابقه است. البته «نان» مسئله مهمی است و فی‌الحال غیر از این [نان] صحبت در مملکت ما نشود/ نان نمی‌گوییم خوبست، ولی بد هم نیست/ همه خواهیم که بهتر شود، اما نشود. بنابراین تعهد خبرنگاری و رسالت مطبوعاتی چه می‌شود؟ خوانندگان شرق نمی‌دانند که شما چه مطالبی از ما را در سبد حذفیات انداختید، وگرنه هیچ بعید نبود که البته پس از مدتی رنج و حرمان و گرفتاری، نام کپورچالی، مویدی، امیرشاهی و روشن‌ضمیر هم در عداد نام روزنامه‌نگاران برگزیده‌ای چون گنجی، بهنود و... برده شود و از آنها بابت شجاعت و تعهدشان ستایش به عمل آید. اما در روزگاری که در سطح کلان سیاسی اتفاقاتی حیرت‌انگیز در حال وقوع است، این قلندران را سرگرم شوخی با فریدون ابک، بنیامین، آرش و معین [و نه معینی که می‌خواست دوباره وطن را بسازد، بلکه معینی که دلش می‌خواهد به اصفهان برگردد و لب زاینده‌رود بنشیند و ترانه و شعر و سرود بخواند] کردید. [از بابت اینکه فعل از جمله دور افتاد عذر فراوان می‌خواهیم.] آری صفحه یک روزنامه‌ها را که نگاه می‌کنیم جهانی است پرغوغا و اندر این سان که از جانب غرب/ شد روان سیل صفت آتش حرب/ انگلیس از دل دریا برخاست/ آتشی از سر دنیا برخاست/ پای بگذاشت به میدان وغا/ حافظ صلح جهان [با هزار علامت!] آمریکا... ما در گوشه‌ای از صفحه آخر نشسته‌ایم به دفاع از چند متر کتاب نارنجی و عباس دریانی و سرود جام جهانی مشغول هستیم. پس کجا است آن شور و حال خبرنگارانی که مثل رابرت ردفورد و داستین هافمن ماجراهایی مثل واترگیت را برملا می‌کردند؟ کجاست آن سوگندی که روز اولی که قلم به دست گرفتیم، خوردیم؟ کجاست [...]؟ ما امضاکنندگان ذیل به شما اعلام می‌کنیم که منبعد هر موضوعی را که در صفحه اول دیدیم، در صفحه آخر به آن می‌پردازیم، بلکه به رسالت ژورنالیستی خود عمل کرده باشیم. فرمانروای «شرق» که عمرش دراز باد/ می‌خواست زحمت من درویش کم کند/ از پیری و پیادگی و راه‌های دور/ فرسوده دید و خواست که آسوده‌ام کند/ یک یاغچی گذاشت بر سر ما تا/ اندوه روی اندوه و غم روی غم کند [ضمناً این چه اسم فامیلی است که در هیچ وزن و قافیه‌ای نمی‌گنجد؟] با احترام

■ **حالا پاسخ یاغچی**

جناب آقایان قلندران، اگر وضع بدین منوال باشد، به زودی حتی با فریدون ابک هم نمی‌توانید شوخی کنید. فعلاً دم را غنیمت شمرید و قاچ زین را بچسبید که رسالت مطبوعاتی پیشکش‌تان. بعد هم زیاد شلوغش نکنید. روزنامه‌نگار برگزیده کیلو چند است؟ حرمت ریش سفیدتان را نگه می‌دارم که مودبانه می‌نویسم وگرنه می‌نوشتم [...] به قول ما «بودورکه‌وار» نخواستید راه باز است و جاده دراز. از اینها گذشته علی‌الظاهر دیلرتان توی جنستان دست برده که خود را با رابرت ردفورد و داستین هافمن مقایسه می‌کنید، وگرنه من کجا و لنگه گیوه؟ ارادتمند حسین یاغچی

mirfattah@yahoo.com